



A Critical Look at Police Research Translations; a Case Study of Amin University

Meysam Ahmadi

* Assistant Professor,
Department of Persian
Language and Literature,
Amin University, Tehran,
Iran.
meisam_ahmadi_61@yahoo.com

Naser Bayat

Assistant Professor,
Department of Geography,
Amin University, Tehran,
Iran. n_bayat@ut.ac.ir

Yousef Karami-chamme

Assistant Professor,
Department of Persian
Language and Literature,
Amin University, Tehran,
Iran.
ykaramicheme@yahoo.com

Received: 2024/11/24

Accepted: 2024/12/25

DOI:

10.22034/JPCS.2024.1280817.1359



ABSTRACT

The aim of this paper is to examine in detail the problems of writing in order to correct the police translation texts in FARAJA. This research is applied in terms of purpose and its data source is documentary, and in terms of its research approach in reporting the findings and results, it is of a descriptive-analytical type. The statistical population of the study includes 13 books translated at Amin University that were in the stage of writing and literary editing. Based on the findings obtained from the analysis of translated texts, the most frequent translation errors are incorrect syntactic and semantic trace, which include various types of linguistic and grammatical anomalies in police translators' texts. In general, the number and extent of grammatical errors are beyond the assumptions of the authors and indicate the need for greater accuracy in the selection of translators, and the necessity of paying attention to linguistic norms and patterns in foreign countries. It is necessary for those in charge of translation affairs in the Research Office to increase the quality and accuracy of translations with more careful supervision.

Keywords: Translation, Grammatical Accuracy, Spelling Errors, Tracing, Police Texts.

► **Citation (Vancouver):** Ahmadi M, Bayat N, Karami-chamme, Y. A Critical Look at Police Research Translations; a Case Study of Amin University. *Police Cultural Studies*, 2025; 11(4): 29-42.

► **Citation (APA):** Ahmadi, M., Bayat, N., Karami-chamme, Y. (2025) A Critical Look at Police Research Translations; a Case Study of Amin University. *Police Cultural Studies*, 11(4), 29-42.

نگاهی انتقادی به ترجمه‌های پژوهشی پلیس؛ مطالعه موردی دانشگاه علوم انتظامی امین

میثم احمدی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران،
ایران.

meisam_ahmadi_61@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

ناصر بیات

دانشیار جغرافیا، دانشگاه علوم انتظامی
امین، تهران، ایران.

n_bayat@ut.ac.ir

یوسف کرمی چمه

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران،
ایران.

ykaramicheme@yahoo.com

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی دقیق معضلات نگارشی، به‌منظور اصلاح و صحت متون ترجمه پلیسی در فراجا است. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و منبع داده‌های آن اسنادی است و از نظر رویکرد پژوهش در ارائه گزارش یافته‌ها و نتایج از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش، ۱۳ کتاب ترجمه‌شده در دانشگاه علوم انتظامی امین است که در مرحله ویراستاری نگارشی و ادبی قرار داشتند. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل متون ترجمه‌ای، از پربسامدترین خطاهای ترجمه، گرتبه‌برداری‌های ناصواب نحوی و معنایی است که شامل انواع ناهنجاری زبانی و نگارشی در متون مترجم پلیس می‌شود. به‌طورکلی، آمار و میزان خطاهای دستوری، فراتر از پنداشت نخستین نویسندگان و نشان‌دهنده وجوب دقت بیشتر در انتخاب مترجمان، و ضرورت توجه به هنجارها و الگوهای زبانی در فراجاست. بایسته است که متولیان امور ترجمه در معاونت پژوهشی، با نظارتی دقیق‌تر، بر کیفیت ترجمه‌ها و صحت آن‌ها بیفزایند.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، صحت دستوری، خطاهای نگارشی، گرتبه‌برداری، متون پلیسی.

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۲۹-۴۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/JPCS.2024.1280817.1359

◀ استناد (ونکوتور): احمدی، م، بیات، ن، کرمی چمه، ی. نگاهی انتقادی به ترجمه‌های پژوهشی پلیس؛ مطالعه موردی دانشگاه علوم انتظامی امین. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۴۰۳، ۱۱(۴): ۲۹-۴۲.

◀ استناد (APA): احمدی، م، بیات، ن، کرمی چمه، ی. (۱۴۰۳). نگاهی انتقادی به ترجمه‌های پژوهشی پلیس؛ مطالعه موردی دانشگاه علوم انتظامی امین. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۱(۴)، ۲۹-۴۲.

ترجمه کنش و فعالیتی فرهنگی است که نقشی تأثیرگذار در روند تحولات و پیشرفت‌های علمی و ادبی دارد و ترجمه متون پلیسی، از مهم‌ترین لوازم پیشرفت و ارتقای علوم کارآگاهی و انتظامی در فراجاست. گمانی نابه‌جاست که تصور کنیم بدون آگاهی از دانش روز و یافته‌های جدید علمی دیگر کشورها در حوزه امور نظم و امنیت، در برآوردن این امر خطیر کامیاب خواهیم بود. اگر با این فرض ناصواب و خیال باطل از انتقال تجارب غافل شویم و از دستاوردهای علمی و به‌روز جهان دست بکشیم، حاصلی جز خسران و عایدی‌ای جز جاماندن از قافله فناوری‌های نوآین نخواهیم داشت.

خوشبختانه، فرماندهی انتظامی کشور سال‌هاست که به ضرورت و اهمیت انتقال دانش پلیسی جوامع دیگر و بومی‌سازی این علوم پی برده و در این عرصه پرکار و پرتلاش بوده است و با صرف هزینه‌های فراوان مادی و معنوی، کوشیده است تا حادامکان از ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها بهره‌مند شود. اما، به دلیل پاره‌ای از موانع، آن‌چنان‌که باید و شاید، در این مسیر کام‌یاب نبوده است. نسخه‌های چاپی بسیاری از این متون مترجم، با همه هزینه‌هایی که صرف برگردان، صفحه‌آرایی و جز این‌ها می‌شود، به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد! دلایلی متعدد برای این موضوع وجود دارد، ولی یکی از مهم‌ترین اسباب در ناکامی تلاش‌ها در این زمینه، مشکلات نگارشی و خطاهای زبانی آشکار در ترجمه آثار پلیسی است. وقتی متون ترجمه‌شده، دچار گرت‌برداری‌های نادرست، کژتابی، تعقیدهای لفظی و معنوی، لغزش‌های بلاغی و دستوری و اشتباهات فاحش ویرایشی باشد، اعتبار و شأن کتاب و مترجم خدشه‌دار و اعتماد خوانندگان و پژوهشگران از آن سلب می‌شود.

انتقال علوم و فناوری‌های جدید و بهره‌مندی از دانش ملل و جوامع دیگر، بدون ترجمه صحیح آثار و تحقیقات علمی و ادبی، امکان‌پذیر نیست. برخلاف پندار عامه، برای ترجمه اثر، فقط دانستن زبان مبدأ کافی نیست، بلکه باید بر زبان مقصد و خرده‌کاری‌ها، امکانات و ظرفیت‌های آن نیز

مسلط بود. مترجم باید از معانی ثانویه، ساختارهای نحوی، فرهنگ و آثار ادبی هردو زبان مطلع باشد تا متن او دچار کژتابی‌های معنایی و نارسایی‌های زبانی نشود. درحوزه آسیب‌شناسی ترجمه‌ها، کتاب‌هایی نظیر «گفتمان و ترجمه» (۱۳۷۷)، «از گوشه و کنار ترجمه» (۱۳۹۴) و «بیابید ترجمه کنیم» (۱۳۹۹) از علی صلح‌جو، به مهم‌ترین مسائل پیش روی مترجمان، ضرورت‌ها و باید و نبایدهای ترجمه و ویرایش آن پرداخته است. کتاب دیگر «درباره ویرایش و ترجمه» (۱۳۸۷) از امیرجلال‌الدین اعلم است.

او در این کتاب مختصر، راهکارهایی در باب ویرایش و ترجمه آثار پیشنهاد می‌دهد. نویسنده در کتاب یادشده، می‌کوشد تا مهم‌ترین نکات و ریزه‌کاری‌های ترجمه و ویرایش متون را با بیانی ساده به مخاطب خویش انتقال دهد. از دیگر کتاب‌های راهگشا و سودمند که در حوزه نگارش و درست‌نویسی نگاشته است، می‌توان به کتاب‌هایی نظیر «غلط‌نویسیم» (۱۳۶۶) از ابوالحسن نجفی؛ «نگارش و ویرایش» (۱۳۷۸) از احمد سمیعی گیلانی؛ «راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی» (۱۳۸۷) از حسن ذوالفقاری؛ «مبانی درست‌نویسی» (۱۳۹۳) از ناصر نیکوبخت؛ «فرهنگ املائی خط فارسی» (۱۳۹۴) از علی اشرف صادقی و زهرا زندی مقدم؛ «بهتر بنویسیم» (۱۳۹۶) از رضا بابایی؛ و نیز «فرهنگ درست‌نویسی» (۱۳۹۸) از حسن انوری و یوسف عالی عباس‌آباد، اشاره نمود. هرچند این کتاب‌ها، مختص مقوله ترجمه نیست، در آنها به بسیاری از قواعد و هنجارهای ترجمه صحیح اشاره شده است و مترجمان یا ویراستاران کتاب‌های ترجمه‌ای از دانستن آن بی‌نیاز نیستند.

اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، در قالب کتاب‌های اصول نگارش و ویرایش صورت گرفته و بیشتر مقاله‌های پژوهشی این حوزه به نقد موردی ترجمه‌های چاپ‌شده پرداخته‌اند و مطالعات و پژوهش‌های چاپ‌شده درباره سنجش انواع و بسامد خطاهای نگارشی در کتاب‌های ترجمه‌شده اندک است؛ بااین‌همه، مقالاتی

اندک شمار وجود دارد که انگیزه و رویکردی مشابه با مقاله حاضر دارد. نیره توکلی (۱۳۶۷) در مقاله‌ای با نام «آسان‌گیری در ترجمه و نگارش»، چنین بیان می‌کند که کار ویراستاران متون ترجمه‌شده، فقط ویرایش صوری و یکدست کردن دستورخط نیست. از نظر توکلی ویراستار چشم‌تیزبین مترجم است و باید مشکلات و خطاهای زبانی و محتوایی را نیز اصلاح کند. او خطاهای نگارشی در ترجمه را به چند دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: ترجمه قالبی، اشتباهات چشمی، بی‌سلیقگی و اشتباه در واژه‌سازی یا کاربرد واژه‌ها، درازنویسی. پس برای هرکدام از این عناوین، توضیحات و مثال‌هایی ذکر می‌کند. نیره توکلی (۱۳۷۳) در مقاله «نکته‌هایی درباره ترجمه و نگارش»، به معرفی رایج‌ترین اشتباهات و مسائلی می‌پردازد که در برگردان متن از انگلیسی به فارسی روی می‌دهد. به نظر نویسنده مقاله برخی از اشتباه‌ها در ترجمه متون انگلیسی راجع به گزینش معادل نامناسب برای واژه‌هاست و مواردی به ترجمه لفظ‌به‌لفظ بازمی‌گردد. گاهی این اشتباه‌ها مربوط به انتخاب ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌های ناصواب فارسی برای اصل لاتین است و گاهی به دلیل ناآشنایی مترجم با ساخت‌های نحوی زبان مبدأ اتفاق می‌افتد. نویسنده در این مقاله مفید و کاربردی، مثال‌هایی از تعدادی خطای نگارشی می‌آورد که خود شخصا در ویرایش متون ترجمه‌شده با آن برخورد کرده است. حسن ذوالفقاری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با نام «الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات» به بررسی زبان معیار در مطبوعات پرداخته است. هرچند این مقاله در باب ویرایش متون ترجمه‌ای نیست، الگویی مناسب و روشن برای تحلیل خطاهای نگارشی در نوشته‌های فارسی به شمار می‌رود. ذوالفقاری در این مقاله حدود دوازده‌هزار جمله را از روزنامه‌ها و نشریات گوناگون کشور انتخاب کرده و خطاهای نوشتاری (فنی، زبانی و بلاغی) این جملات را به روش تحلیل محتوا، بررسی و نقد کرده است. او پس از تعیین میزان و درصد اشتباهات نگارشی در هرکدام از شاخص‌ها، نتیجه گرفته است که وضع به‌کارگیری زبان در نشریات کشور مطلوب و مناسب نیست و باید در این باره تدبیری اساسی اندیشیده

شود. نازیلا فرمانی انوشه (۱۴۰۰) در مقاله «آسیب‌شناسی ترجمه متون ازمنظر ویراستاری و ارائه راهکارهای پیش‌گیری» می‌کوشد تا با بررسی مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری متن ترجمه‌ای از لحاظ نگارش و ویرایش، توصیه‌هایی برای رفع این مشکلات ارائه دهد. نویسنده مهم‌ترین خطاها در متون ترجمه‌ای را اشتباهات دستوری، گرت‌برداری، قالب‌های کلیشه‌ای، اشکالات منطقی و نداشتن دقت معنایی می‌داند. البته او آمار و روشی برای کار خود مشخص نمی‌کند و نمی‌گوید چگونه به این نتایج رسیده است. متأسفانه بسیاری از اجزای این مقاله، حتی مثال‌هایش را می‌توان عیناً در مقاله‌های پیشینی دیگران یافت. بااینکه موضوع این مقاله در وجوب و ضرورت درست‌نویسی است، متن آن از خطاهای متعدد نگارشی، اشتباهات تایپی و دستورخط و بی‌توجهی به الگوهای معیار زبان فارسی در امان نمانده است. بااین‌که لزوم سلامت نگارشی ترجمه‌ها، امری روشن است، پژوهشی جامع که مخصوص تحلیل و بررسی میزان درست‌نویسی و سنجش صحت آثار ترجمه‌شده سازمانی باشد، صورت نپذیرفته و تاکنون مقاله یا رساله‌ای درباره این موضوع انجام نشده است.

علی‌رغم آن‌که نهضت ترجمه در زمان قاجاریان و برای پاسخ به نیازهای نظامی و انتظامی کشور شکل گرفت، امروز سازمان پلیس کشور، برای کسب جایگاه و مرجعیت علمی در ترجمه آثار و ادبیات پلیسی، برنامه‌ای منسجم و مدون ندارد. از مترجمان مشهور و کارآزموده بیرون‌سازمانی بهره نمی‌برد. حق‌الزحمه ترجمه‌ها، حداقلی است. نیازسنجی‌های لازم برای انتخاب آثار صورت نمی‌گیرد و در نتیجه آثار ترجمه‌شده، در عرصه عمل فایده‌ای نمی‌رساند و در پلیس‌های تخصصی به کار گرفته نمی‌شود.

نظارت‌ها بر ترجمه‌ها، از دقت، وسواس علمی و دانش لازم برخوردار نیست. کیفیت چاپ، طرح جلد و نشر کتاب‌ها مناسب نیست. ادبیات و رمان پلیسی، که در دنیا جزو پرفروش‌ترین و محبوب‌ترین ژانرهای ادبی است و از قضا در تربیت کارآگاهان و پلیس‌های متبحر و کاردیده بسیار مؤثر است، نادیده گرفته می‌شود. پخش و تبلیغات

ویرایش زبانی در سه سطح (اسم، فعل و حرف) به تحلیل نحوه ساخت واژه‌ها، جمله‌ها و کاربرد درست حروف می‌پردازد. در ویرایش بلاغی هم به ناهنجاری‌های نگارشی در حوزه معنای جملات، پرداخته می‌شود و خطاهایی نظیر درازنویسی، تکرار، تعبیر نامناسب و متناقض، صفات هرز و جزاینها را شامل می‌شود. در بررسی ناهنجاری‌های نگارشی متون ترجمه‌ای نیز می‌توان از این همین روش بهره گرفت، ولی از آنجاکه در این مقاله تمرکز ما بر عیوب اصلی و اساسی ترجمه‌هاست، می‌کوشیم تا بیشتر به خطاهای نگارشی مختص ترجمه بپردازیم. بنابراین از ویرایش فنی یا صوری چشم‌پوشی می‌کنیم. خطاهای زبانی و بلاغی ترجمه را هم ذیل عنوان «صحت دستوری» مطرح می‌سازیم. اساس پژوهش ما در این مقاله بر دسته‌بندی پیشنهادی علی خزاعی فر استوار است. او ترجمه را هنری قانون‌مدار برمی‌شمرد و برای ترجمه سه قانون ذکر می‌کند. نخست اینکه: متن ترجمه باید تاحداً امکان به متن اصلی شباهت داشته باشد؛ دوم اینکه: متن ترجمه باید «محصل» یا «مفید فایده» داشته باشد؛ و سوم اینکه: متن ترجمه باید از حیث کارکرد با متن اصلی هم‌تراز باشد؛ یعنی آنکه مترجم باید کارکرد متن مبدأ را دریابد و براساس آن، کارکرد ترجمه خویش را معین کند، مثلاً: اگر متن اصلی، غیرروایی و کارکرد اصلی‌اش انتقال اطلاعات باشد، ترجمه آن نیز باید بر مبنای نقل صحیح و روان اطلاعات شکل بگیرد. به نظر خزاعی فر این بلاغت متن است که کارکرد آن را مشخص می‌کند. حال این هم‌ترازی بین متن اصلی و ترجمه آن، فقط با درک ویژگی‌های بلاغی متن اصلی به دست می‌آید. او عناصر بلاغت متن را در ترجمه، متشکل از: «صحت دستوری»، «انسجام» و «سبک» می‌داند (خزاعی فر، ۱۴۰۲: ۶).

صحت دستوری از نگاه او، فقط درستی ساختار جملات نیست، بلکه سه حوزه واژگان، نحو و معنا را نیز دربرمی‌گیرد. «جمله‌ای صحت دستوری دارد که در هر سه حوزه مطابق با دستور قواعد فارسی به کار رفته باشد... در موضوع صحت دستوری ملاک سنجش زبان فارسی است» (خزاعی فر، ۱۴۰۲: ۶). بنابراین، هرگونه تخلف از

فروش آثار ترجمه‌شده، فراگیر و نظام‌مند نیست؛ بنابراین پژوهشگران و علاقه‌مندان علوم پلیسی، به دنبال ناشران و مترجمانی می‌روند که تخصص کافی در امور انتظامی ندارند.

آسیب‌های این رویگردانی از مرجعیت علمی پلیس، بسیار است، ولی مهم‌ترین آن، سلب اعتماد عمومی از دانش، تخصص و مهارت این نهاد خدمتگزار و یاری‌رسان است. پس برماست که با تلاش، دقت نظر و سخت‌گیری‌های علمی و نکته‌سنجانه، در ارتقای سطح کیفی کتاب‌های ترجمه‌ای بکوشیم و بر اعتبار و حیثیت دانشی سازمان بیفزاییم. نخستین قدم در این راه، اصلاح سبک نوشتاری و رعایت هنجارهای زبانی است. مقاله پیش رو، علاوه بر نقد و بررسی کیفی آثار ترجمه‌شده، آماری توصیفی از مقدار خطاهای نگارشی و میزان خروج از الگوهای زبانی و هنجارهای نوشتاری در این‌گونه کتاب‌ها ارائه می‌دهد که در سطح فراجا بدیع است. نویسندگان این مقاله می‌کوشند تا با روشن ساختن انواع و بسامد خطاهای نگارشی در این آثار، مانع از تکرار بیشتر این اشتباهات شوند و زمینه سلامت و صحت علمی متون ترجمه‌شده را فراهم آورند.

روش پژوهش

برای ویرایش و تصحیح ناهنجاری‌های زبانی و خطاهای نگارشی در متون تألیفی، با سه نوع ویرایش سروکار داریم که عبارت است از: الف) ویرایش صوری یا فنی، ب) ویرایش زبانی یا ساختاری و ج) ویرایش بلاغی. ویرایش صوری یا «ویرایش فنی بیشتر ناظر بر نشانه‌گذاری، املا، نادرست، غلط تایپی، رسم الخط و عددنویسی است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۴)، ولی در ویرایش زبانی اشتباهات دستوری و خطاهای واژگانی، بررسی می‌شود. در گذشته هرگاه کلمه‌ای موافق قواعد صرفی و هنجارهای لغوی ساخته نشده بود، آن را «مخالفت قیاس» یا «ناهنجاری لفظ» می‌نامیدند و هرگاه ترکیب و جمله‌بندی برخلاف موازین نحوی و زبانی بود، از اصطلاح «ضعف تألیف» یا «سست‌پیوندی» استفاده می‌کردند (همایی، ۱۳۷۷: ۱۱).

هنجارهای زبان فارسی در سه حوزه یادشده، مخالف صحت دستوری متن است. این ویژگی متن که در سطح جملات و عبارات نمود می‌یابد، می‌تواند به لحاظ کمی سنجیده شود، ولی دو عنصر دیگر بلاغت در ترجمه، یعنی «انسجام» و «سبک» را نمی‌توان با آماره‌های کمی تبیین نمود. انسجام همان یکدستی و پیوستگی ترجمه و داشتن نظم منطقی در سراسر متن است و سبک ویژگی‌ها و مشخصات بارز هر اثر یا روش و شیوه خاص هر نویسنده برای بیان مفاهیم مدنظرش است. مترجم باید بتواند تا حد امکان سبک متن مبدأ را نیز در ترجمه به خواننده منتقل کند. بنابر آنچه اظهار شد، میزان خروج از هنجارهای زبانی و موارد نقض صحت دستوری، قابل سنجش کمی و تعیین بسامد برای تحلیل و نتیجه‌گیری و در نهایت اصلاح است.

این پژوهش، از لحاظ هدف، کاربردی و منبع داده‌های آن اسنادی است و از نظر رویکرد پژوهش در ارائه گزارش یافته‌ها و نتایج از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش ۱۳ کتاب ترجمه‌شده در دانشگاه علوم انتظامی امین است که در مرحله ویراستاری نگارشی و ادبی قرار داشتند. واحد تحلیل، صفحه در نظر گرفته شد؛ بنابراین، مجموع صفحات کتاب‌های مورد بررسی، حدود ۴۰۰۰ صفحه متن ترجمه‌شده برآورد شد؛ براین اساس، با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه تعداد ۳۵۰ صفحه برآورد شد و برای افزایش سطح اطمینان نمونه‌گیری ۴۰ صفحه دیگر به حجم نمونه اضافه گردید و در نهایت ۳۹۰ صفحه، بررسی و تحلیل شد؛ براین مبنا، از هر کتاب ۳۰ صفحه، مورد واکاوی قرار گرفت. در این مقاله، از روش تحلیل محتوای کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. براین اساس، ۱۰ شاخص اصلی متداول در ارزیابی نگارشی آثار ترجمه‌ای مبنای کار قرار گرفت. این شاخص‌ها برگرفته از منابع علمی مرجع در این زمینه است که عبارتند از: کتاب‌هایی نظیر «غلط ننویسیم» از ابوالحسن نجفی؛ «راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی» از حسن ذوالفقاری؛ «مبانی درست‌نویسی» از ناصر نیکوبخت و مقاله «بلاغت در ترجمه چیست؟ و عناصر بلاغی کدام است؟» نوشته

علی خزاعی‌فر. روایی کاربرد شاخص‌ها در این پژوهش، مورد تأیید پنج نفر از متخصصان انجمن صنفی مترجمان و ویراستاران ایران قرار گرفته است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: گرت‌برداری لفظی؛ گرت‌برداری معنایی؛ گرت‌برداری دستوری؛ پریشان‌گویی و ابهام در ترجمه؛ صفت‌های هرز و ناهمگون؛ ندیدن بار معنایی کلمات؛ درازنویسی؛ تعبیر کلیشه‌ای؛ اشتباه در ضبط صحیح اسامی خاص به فارسی، و ازهم‌گسیختگی و جابه‌جایی ارکان جمله.

یافته‌ها

با توجه به مبانی نظری پژوهش، می‌توانیم عنصر «صحت دستوری» را تقریباً همان معیار ویرایش زبانی و ویرایش بلاغی در متون تألیفی بدانیم. در این قسمت از مقاله، به مهم‌ترین خطاهای نگارشی و ناهنجاری‌های زبانی موجود در ترجمه‌های متون پلیسی می‌پردازیم.

۱- گرت‌برداری

گرت‌برداری یا صورت صحیح‌تر آن، گرده‌برداری (ر.ک. قربان‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۳۸-۱۵۲)، گونه‌ای روگرفت یا وام‌گیری در زبان است که بر اثر ترجمه از زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌شود. گویا ابوالحسن نجفی، نخستین کسی است که از اصطلاح گرت‌برداری برای این پدیده زبان‌شناختی بهره گرفته است (نجفی، ۱۳۶۱: ۴-۱۵). وام‌گیری از زبان‌های بیگانه دو گونه است: نخست این‌که عین آن واژه قرضی (گاه با اندکی تغییر) در زبان مقصد به کار گرفته شود؛ درباره این گونه واژه‌ها و کاربرست آن، بسیار سخن رفته است. از قضا در سازمان فراجا، درباره به‌کارگیری الفاظ و کلمات بیگانه حساسیت وجود دارد و اصل بر استفاده از برابرهای مناسب فارسی و پرهیز از استعمال بی‌ضابطه واژگان دخیل است. اما، تشخیص گونه دوم، یعنی گرت‌برداری دشوارتر و نیازمند مطالعه و آگاهی بیشتر است. «در گرت‌برداری به‌خلاف واژه‌های عاریتی، دیگر عین کلمه را از زبان خارجی نمی‌گیرند، بلکه صورت ترکیبی کلمات یا اصطلاحات را به اجزای سازنده‌اش تجزیه می‌کنند و به‌جای هر کدام از این اجزاء، معادلی را که از پیش در زبان

پاسخ‌های آموخته‌شده در برابر محرک‌ها و مجموعه‌ای از رفتارهای آشکار نیست».

- نمونه چهارم: عبارت «تحت عنوان» که امروز به کلیشه‌ای نوشتاری تبدیل شده، دراصل نوعی گرده‌برداری نادرست از اصطلاح (under the title) است که «اغلب تحت عنوان ترجمه می‌شود و به‌تازگی کسانی برای فارسی‌ترکردن این عبارت، زیرعنوان به کار می‌برند، درحالی‌که نه به تحت نیازی است و نه به زیر و حرف اضافه با (باعنوان) کارساز است» (توکلی، ۱۳۶۷: ۵۷)؛ مانند «بالین‌حال، فرآیندهای نظارتی صرفاً تحت عنوان امنیت یا پیش‌گیری از جرم صورت نمی‌گیرد».

- نمونه پنجم: در زبان انگلیسی پسوند (able-) بیانگر امکان، احتمال، قابلیت، شایستگی و سزاواربودن است (توکلی، ۱۳۶۷: ۵۷)، اما مترجمان این پسوند را به «قابل» و منفی آن را به «غیر قابل» ترجمه می‌کنند، حال آن‌که این پسوند معنای پذیرش و قابلیت دارد و معنی امکان را افاده نمی‌کند. این نوع ترکیب‌بندی برخلاف فصاحت و بلاغت است و نیز در متون معتبر زبان فارسی نیامده است (نجفی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). برای حل این معضل در ترجمه، می‌توانیم به مصدرهای ساده «ی» صفت‌ساز اضافه کنیم و در حالت نفی نیز آن را منفی کنیم یا به اسامی جامد پسوند «پذیر» یا «ناپذیر» بیفزاییم؛ مثلاً، به‌جای عبارت «قابل شنیدن» بگوییم: «شنیدنی»؛ به‌جای «غیر قابل تغییر» بگوییم «تغییرناپذیر».

✓ مثال اول: دو ترکیب «قابل ملاحظه» و «قابل توجه» که برآثر گرده‌برداری از زبان فرنگی (considerable) رایج شده، در زبان فارسی به معنای «دیدنی» و «جالب توجه» است و بسیاری از اوقات در جمله، درمعنی درست و صحیح خود به کار نمی‌رود. به‌جای این دو ترکیب می‌توانیم بگوییم: فراوان، بسیار، معتنی‌به، سرشار، عمده، هنگفت، کلان، زیاد و... مانند نمونه‌های زیر:

وام‌گیرنده موجود است، می‌گذارند» (نجفی، ۱۳۶۱: ۷-۱۵).
گرته‌برداری را به سه نوع تقسیم می‌کنند: لفظی، معنایی و دستوری.

- گرده‌برداری لفظی یا واژگانی

ترجمه لفظ‌به‌لفظ (تحت‌اللفظی) ترکیبات و اصطلاحات بیگانه است. «برگرداندن جزء‌به‌جزء ترکیب‌های غیرفارسی به فارسی، بدون این‌که ترکیب حاصل، مطابق دستور یا دیگر هنجارهای زبان فارسی باشد» (بابایی، ۱۳۹۶: ۶۷). البته، گرده‌برداری لفظی تا زمانی‌که برخلاف الگوهای زبان فارسی نباشد، غلط نیست.

- نمونه نخست: ترکیب نادرست نقطه‌نظر، در فارسی معنایی مشخص ندارد و برآثر ترجمه لفظ‌به‌لفظ از عبارت انگلیسی (point of view) شایع شده است. به‌جای آن باید معادل‌هایی نظیر دیدگاه، نظر و نظرگاه را به کار ببریم: «ورزشگاه‌های هنرهای رزمی ترکیبی از نقطه‌نظر دیگران ممکن است به‌عنوان زمین بازی برای خشونت درونی به‌نظر برسند».

- نمونه دوم: ترکیب «به نوبه خود» از اصطلاح فرانسوی (a son tour) یا انگلیسی (in his turn) گرده‌برداری شده است (نجفی، ۱۳۸۴: ۸۴). این ترکیب بیشتر اوقات در زبان فارسی معنای صحیحی ندارد، زیرا نوبت و نوبت‌گرفتن در فارسی معنایی مشخص دارد. به‌جای این ترکیب بی‌معنا می‌توان از واژگانی نظیر «نیز» و «هم» استفاده کرد. «مدت‌هاست که مشخص شده است که پلیس در یک محیط اجتماعی عمل می‌کند که در آن رازداری سیستمیک به خرده‌فرهنگی اجازه می‌دهد تا براساس هنجارهای نانوشته رشد کند و به نوبه خود منجر به نفوذ خشونت پلیس و فساد پلیس شود».

- نمونه سوم: گاهی مترجمان عبارت انگلیسی (something more than) را «چیزی بیش از» معنا می‌کنند، حال آن‌که برگردان صحیح این عبارت «فقط» است (توکلی، ۱۳۶۷: ۵۷)؛ به‌مثل: «از نظر رفتارگرایان شخصیت چیزی بیش از انباشته‌ای از

- ✓ «از آنجایی که جرم، تهدیدی مستقیم برای جامعه ما است، پلیس قابل توجه و شاید مهم ترین نقش را در غلبه بر این تهدید و ترس از جرم دارد».
- ✓ «در سال های اخیر شاهد پیشرفت قابل ملاحظه ای در رایزنی ها و اجلاس های مشترک پلیس و بخش خصوصی امنیت بوده ایم که مبحث اصلی آنها مقوله همکاری بوده است».
- ✓ مثال دوم: ترکیبات «غیرقابل احتراز» و «غیرقابل اجتناب» نیز در متون ترجمه ای، گرده برداری ناصواب از اصطلاح (inevitable) دانسته می شود و اغلب به لحاظ معنایی نادرست است. به جای این ترکیبات نامأنوس می توانیم از کلمات دیگری استفاده کنیم: ناگزیر، ناچار، محتوم، خواه ناخواه، قطعی و... . مانند نمونه زیر: «نئولیبرالیسم اقتصادی به عنوان یک سرنوشت قابل توجه است یا با دیدگاه منفی، به عنوان تولیدی غیرقابل اجتناب از نیروهای نامرئی جهانی شدن یا با دیدگاه مثبت، به عنوان تنها راه برای رفاه فردی و ملی در محیط رقابت در بازار جهانی». البته در این مثال، انواع خطاهای ترجمه موجود است.

– گرده برداری معنایی

- «یعنی تعمیم دادن یکی از معانی واژه در زبان مبدأ، به دیگر معانی آن در زبان مقصد» (نیکوبخت، ۱۳۹۵: ۱۰۷). ممکن است هر کلمه در زبان مبدأ، چند معنای گوناگون را برساند، اما برخی مترجمان ناآگاه، بی توجه به موقعیت و ساختار جمله، برای آن کلمه، فقط یک معنا می آورند. این خطاگاه موجب ساخته شدن جمله های مضحک و متناقض می شود.
- نمونه نخست: «اگر قربانی کودک یا بزرگسالی باشد که با افسر دستگیر شده ارتباطی نداشته باشد، افسران بیشترین شانس را برای محکوم شدن به جرم دارند».
- چنان که می بینیم، مترجمان اغلب واژه (Chance) را که معانی متعددی نظیر بخت، احتمال، امکان، خطر و... دارد، فقط به بخت و شانس برمی گردانند! در

- اینجا باید از مترجم سؤال کرد که مگر گرفتار و محکوم شدن به بخت و اقبال نیاز دارد؟
- نمونه دوم: در جمله «این مطالعات نشان داد که ایالت های دارای مجازات اعدام معمولاً از نرخ قتل پایین تری نسبت به ایالت های بدون مجازات اعدام برخوردار نیستند». مترجم واژه (Rate) را به نرخ برگردانده است، حال آنکه این واژه، معانی دیگری نظیر میزان، سرعت و جزاینها دارد. نرخ در زبان فارسی به معنای بها و قیمت است و با این ترجمه، معنای جمله معیوب شده است. هر چند ایرادات و خطاهای ترجمه ای این جمله، در گرده برداری منحصر نیست. ترجمه پیشنهادی در زیر قابل مشاهده است:
- «این پژوهش ثابت کرد که میزان جنایت و قتل در ایالت هایی که از مجازات اعدام استفاده می کنند، لزوماً از ایالت های دیگری که قانون اعدام ندارند، کمتر نیست».
- نمونه سوم: گاهی این بی دقتی و جهل لغوی، معانی متناقضی به وجود می آورد، مثلاً «گلوکس مجموعه داده های بزرگی را در پروژه های تحقیقاتی طولانی و پیگیری تولید کرد؛ مطالعاتی که در درجه اول به توسعه جرم و جنایت علاقه مند بودند». در این مثال: مترجم واژه (concern) را «علاقه» ترجمه کرده و معنای عجیبی از آن استخراج کرده است! مطالعاتی که به گسترش و توسعه جرم و جنایت علاقه مندند! اما، واژه یادشده، معانی دیگری نیز دارد. منظور مترجم در این نمونه، مطالعاتی درباره گسترش جرم و جنایت است یا مطالعاتی که با توسعه جرم و جنایت سروکار دارد.
- نمونه چهارم: «ویلیامسون دارای دیپلم در آموزش عالی و کارشناسی ارشد ادبیات در مطالعات تروریسم است». یکی دیگر از واژه هایی که اغلب مترجمان آن را اشتباه ترجمه می کنند، (Literature) است. این کلمه معانی دیگری مانند سابقه، منابع و تحقیق هم دارد، اما بی توجه به بافت کلام، همواره

است، ولی «طبیعت زبان فارسی از فعل مجهول گریزان است و جز مواقع خاص، تن به آن نمی‌دهد... در زبان فارسی برای برجسته‌سازی مفعول، می‌توان مفعول را در آغاز جمله آورد و فاعل را پس از آن ذکر کرد» (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

«توسط»، «به‌توسط»، «ازجانب»، «به‌وسیله»، «ازسوی» «ازجانب»، «به‌دست» و جزاین‌ها، حروف اضافه مرکبی است که در ساخت این جملات به‌کار می‌رود؛ مانند «در انگلستان و ولز، تعقیب قضایی (پیگرد قانونی) توسط سرویس دادستانی سلطنتی در انگلستان و ولز، انجام می‌شود». درست‌تر آن بود که می‌نوشت: «در انگلستان و ولز، تعقیب قضایی (پیگرد قانونی) را دستگاه دادستانی سلطنتی انجام می‌دهد».

از آن‌جاکه در زبان‌های فرنگی حرفی معادل «را» در فارسی وجود ندارد، «بنابراین راهی جز نوشتن به صیغه مجهول ندارند، ولی ما مجبور نیستیم که از زبان آن‌ها عیناً گرت‌برداری کنیم» (بهارى، ۱۳۹۷: ۶۲). خوشبختانه، ظرفیت‌های زبان فارسی ما را از به‌کارگرفتن این ساختار بی‌نیاز می‌کند؛ مانند «ما در میانه سومین کنفرانس ملی آموزش و پژوهش در کمبریج، که توسط مؤسسه [جرم‌شناسی] سازمان‌دهی شده بود و توسط وزیر کشور افتتاح شد، با هم ملاقات کردیم»؛ بهتر بود این جمله چنین نوشته می‌شد: «ما درائتای سومین کنفرانس ملی آموزش و پژوهش کمبریج که در مؤسسه [جرم‌شناسی] سازمان‌دهی شده و وزیر کشور آن را افتتاح کرده بود، با هم ملاقات کردیم». به‌طورکلی، به‌کارگیری فعل مجهول در نوشتار فارسی باید کم‌تر شود، «زیرا این شیوه بیان که برخلاف طبیعت زبان فارسی است، هنوز در گفتار مردم نفوذ نکرده است» (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

واژه «یک» در زبان فارسی، با توجه به بافت کلام، کاربردهای متعدد دارد، اما بیشتر برای شمارش به‌کار می‌رود. امروز، بر اثر گرت‌برداری نادرست، «یک» را نه برای شمارش واحد، بلکه برای توضیح امور کلی به‌کار می‌برند. در این‌گونه جملات، «یک» یا زائد و بی‌نقش است، یا اشتباهاً به‌جای کلمات دیگر نظیر «هر» به‌کار رفته است.

آن را «ادبیات» معنا می‌کنند. همین نکته موجب خطاهایی فاحش، مانند نمونه مذکور می‌شود که مترجم رشته‌ای جدید ابداع کرده است: کارشناس-ارشد ادبیات در مطالعات تروریسم! به‌جای آن‌که بگوید: کارشناسی‌ارشد تروریسم‌پژوهشی یا مطالعات تروریسم یا ...

- نمونه پنجم: «پرونده‌های تجاوز به‌عنف به‌سختی قابل پیگرد قانونی هستند، اما روش‌های جدید پزشکی قانونی می‌تواند کمک بزرگی کند». طبق این ترجمه: پیگیری پرونده‌های تجاوز به‌عنف پر از رنج و مشقت است! این اشتباه از آن‌جا ناشی می‌شود که مترجمان، قید (hardly) را فقط «به‌سختی» ترجمه می‌کنند، درحالی‌که می‌توانیم آن را «کم‌تر» یا «به‌ندرت» معنا کنیم.

- گرت‌برداری دستوری یا نحوی

در این نوع گرت‌برداری، گویش‌وران زبان مقصد، بی‌آن‌که بدانند، الگوهای دستوری زبان مبدأ را به‌کار می‌برند. «گرت‌برداری نحوی بر ساخت جمله وارد می‌شود و شیوه آن را تغییر می‌دهد» (نجفی، ۱۳۶۱: ۱۳). نتیجه این‌گونه گرت‌برداری، تغییر ساختار زبان فارسی و پرباشان و نامفهوم‌شدن جملات است. رایج‌ترین گرت‌برداری‌ها دستوری در ترجمه‌های متون پلیسی عبارت است از: به‌کارگیری مجهول نابجا (آوردن فعل مجهول با فاعل معلوم)، کاریست نادرست واژه یک، متابعت صفت از موصوف در جنسیت، ترجمه حرف تعریف «the» به «این» و جزاین‌ها.

✓ مجهول نابجا

استعمال مجهول نابجا از مهم‌ترین و شایع‌ترین خطاهای نوشتاری در متون ترجمه‌ای است. مجهول نابجا، یعنی نویسنده هم‌زمان با آوردن فاعل معلوم در جمله، از فعل مجهول استفاده کند. این ساختار در زبان‌های فرنگی (انگلیسی و فرانسوی) برای برجسته‌سازی نقش مفعول رواج دارد و نیز بر اثر ترجمه‌های نادرست و شتاب‌زده مترجمان ناآشنا به ساختار زبان، به نثر متون فارسی راه یافته

برای مثال، «کارشناسی صحنه مهم‌ترین بخش فرایند کارشناسی یک تصادف است».

✓ متابعت صفت از موصوف در جنسیت

یکی دیگر از هنجارها و الگوهای زبانی بیگانه (عربی) است که در زبان فارسی صحیح نیست و باید از آن پرهیز کنیم؛ مانند برنامه‌های توسعه‌ی مربوطه، گزارشات واصله، پرونده مذکوره، وظایف محوله، تحقیقات مربوطه کارآگاهان، رده‌های تابعه و جزاینها.

ترجمه و کاربرد ناصواب حروف، مثلاً: درجمله «شغل پلیس با هیچ شغل دیگری شبیه نیست»؛ آوردن حرف اضافه «با» در این جا صحیح نیست.

مثال دیگر: در ترجمه نادرست حروف، اغلب مترجمان حرف اضافه (as) انگلیسی را «به‌عنوان» یا «به‌منزله» ترجمه می‌کنند. این کلمه در بیشتر جملات، زائد است و باید حذف شود؛ مثلاً، «آثار انگشت به‌منزله نشانه‌ای از ویژگی‌های فردی هر شخص و یکی از بارزش‌ترین انواع مدارک فیزیکی برای شناسایی مجرمین و تشخیص هویت افراد در تحقیقات جنایی است» در این مثال می‌توان کلمه مشخص‌شده را حذف کرد.

نه فقط ... بلکه: گرت‌برداری از ساخت (not only...but) است و در متون تألیفی نیز نفوذ کرده است، مانند: «نه فقط پلیس، بلکه سیستم عدالت کیفری تا حدودی مقصّر بوده است».

این ... است که: این عبارت گرت‌برداری از زبان‌های خارجی است و به دلیل ترجمه لفظ به لفظ در زبان فارسی رایج شده، ولی در متون کهن فارسی سندی ندارد. بهتر است که «این» حذف شود؛ به‌مثل: «شغل پلیس شبیه هیچ شغل دیگری شبیه نیست؛ این شغلی است که قدرتی باورنکردنی برای کنترل دیگران دارد».

- پریشان‌گویی و ابهام در ترجمه

گاهی به دلیل ترجمه‌های تحت‌اللفظی یا اهمال و استفاده افراطی و ناآگاهانه از نرم‌افزارهای ترجمه یا اینترنت، متون ترجمه‌شده هیچ معنای مشخص و اندیشیده‌ای، در ذهن

خواننده ایجاد نمی‌کند. این گونه ترجمه‌ها، با هیچ ویرایشی اصلاح نمی‌شود و باید از نو به فارسی برگردانده شود.

- مثال اول: «او آن را به‌عنوان پیوسته‌ای از تعهد در یک سر تا آنومیک در سوی دیگر، همراه با بدبینی در مرحله‌ی بحرانی توصیف کرد».

- مثال دوم: «میچل بعداً فرآیند بررسی استرس حادثه بحرانی را توسعه داد که توسط پلیس و ادارات آتش نشانی برای بیش از ۳۰ سال مورد استفاده قرار گرفته است».

- مثال سوم: «نخستین دسته‌بندی پیشگیری از جرم را استانوویچ مطرح که در این راستا وی بر مبنای گونه‌ای از پیشگیری که از طب پزشکی اقتباس گردیده، پیشگیری را به پیشگیری اولیه پیشگیری ثانویه و پیشگیری ثالثیه تقسیم‌بندی کرده است!»

- صفت‌های هرز و ناهمگون

از دیگر خطاهای زبانی در متون ترجمه‌شده، آوردن صفات کلیشه‌ای، تکراری و گاه بی‌تناسب و بی‌ربط برای موصوف است. اگر دایره‌ی واژگان مترجمی غنی باشد، برای هر موصوف، صفتی متناسب و درخور دارد. «صفت‌های مشهوری که برای هرگونه موصوفی از آنها استفاده می‌شود، فایده و اثر خود را از دست داده‌اند و هرز محسوب می‌شوند؛ مانند صفت خوب و بد و بالا، که از چسبیدن به هیچ اسمی ابا ندارند» (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۲۳).

✓ صفت هرز: «همسایگان، دوستان، اساتید دانشگاه، کارفرمایان سابق همگی به محققان پیشینه نشان می‌دهند که افراد خوبی هستند و دارای شخصیت مناسب برای پلیس‌بودن، حتی اعتبار خوبی هم دارند»

✓ صفات تکراری و نامفهوم: «پیشرفت آهسته‌تر از حد انتظار و شناخت کمتر از حد انتظار، می‌تواند منبع ناامیدی افسران پلیس باشد».

- ندیدن بار معنایی کلمات

هر کلمه معنای مخصوص به خود دارد؛ اما برخی از آنها علاوه‌براین، بار معنایی ویژه‌ای دارند که مترجم باید در

معمولاً مداخلاتی را ارائه می‌کنند که برای اصلاح رفتارهای مشکل‌ساز طراحی شده‌اند. ارائه کردن معمولاً به معنی «نشان دادن» و «در معرض دید گذاشتن» است، اما گاه به معانی دیگری نظیر «تحويل دادن» و «عرضه کردن» به کار رفته است که غلط است (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۹).

- مثال: «در بسیاری از بخش‌های آمریکا ترس زیادی نسبت به این مسئله وجود دارد که یک مرز آزادتر می‌تواند به سیل مهاجران کمک کند». در اینجا اگر واژه نسبت حذف شود، هیچ مشکلی پیش نمی‌آید.
- مثال: «لازم به ذکر است که هرگونه فقدان مدارک جنایی به این دلیل است که هیچ موردی پیدا نمی‌شود، نه اینکه پاسخ‌دهنده اولیه نقش خود را به خوبی انجام نداده است». کلمه لازم با حرف اضافه «به» نمی‌آید، همان‌گونه که نمی‌گوییم لازم به سلاح است!

- اشتباه در ضبط صحیح اسامی خاص به فارسی

یکی دیگر از مشکلات رایج در ترجمه‌های متون پلیسی، اشتباه نوشتن اسامی خاص به فارسی است. این پدیده نتیجه عجله و شتاب در اتمام کار، تحقیق و جست‌وجو نکردن یا بی‌دقتی و آسان‌گیری است؛ مثلاً: مترجم در جمله «The persecution of Georgians within Russia is not an isolated phenomenon» واژه (Georgians) را که به معنای گرجستانی‌ها یا گرجی‌ها است، به جورجیان‌ها برگردانده است: «پدیده تعقیب جورجیان‌ها در داخل روسیه جدا از دیگر مسائل نیست». از این‌گونه اشتباهات را به آسانی می‌توان در متن‌های ترجمه‌ای یافت. در مثالی دیگر، مترجم دو اسم خاص در رشته جرم‌شناسی، یعنی «Sheldon Glueck» و «Eleanor Glueck» الینور و شلدون گلوک را به النور و شلدون گلوکس و مترجمی دیگر نام «Cengiz»، چنگیز را به سنگیز برگردانده بود!

- از هم‌گسیختگی و جابه‌جایی ارکان جمله زبان‌ها علاوه بر تفاوت‌های واژگانی، در ساختارهای نحوی و دستوری نیز متفاوت‌اند.

برگردان اثر به آن توجه کند. برخی کلمات بار معنایی منفی دارند و برخی دیگر مثبت، مانند تفاوتی که میان کلماتی همچون رژیم و نظام وجود دارد؛ مثلاً: «پلیس اغلب به عنوان یک نهاد فرماندهی و کنترل در نظر گرفته می‌شود، اما درجه افسر ارتش از پراکندگی زیادی برخوردار است». افزون بر نارسایی معنایی این ترجمه، فعل «برخوردار بودن» معنایی مثبت دارد و نباید با «پراکندگی» که منفی است، همراه شود.

- درازنویسی

منظور از درازنویسی، استفاده فراوان از فعل‌های مرکب و جمله‌های بلند، به جای کاربست فعل‌های ساده و جملات کوتاه است. درازنویسی موجب ابهام و ملال خواننده می‌شود. یکی از موارد درازنویسی، طولانی کردن بی‌دلیل افعال است، نظیر استفاده از افعال «مورد» دار که بسیار رایج شده است:

- مثال: «در آنجا توسط وکیل مدافع مورد بازجویی متقابل قرار می‌گیرند». به جای آنکه بگوید: بازخواست یا بازجویی می‌شوند. البته علاوه بر این، جمله مبهم است و عجیب آنکه مترجم فکر نکرده چگونه وکیل مدافع که کارش دفاع از متهم است، متهم را بازجویی می‌کند!
- مثال: «هرگونه اظهاراتی که در این زمینه بیان می‌شود در دادرسی کیفری علیه افسر مورد استفاده قرار گیرد». درست: استفاده می‌شود.
- مثال: «گشت پلیس در روزی که زن ادعا می‌کرد مورد تعرض قرار گرفته است، به مدت یک ساعت خارج از محدوده قرار داشت». درست: تعرض شده است.

- تعابیر کلیشه‌ای

«کلیشه کاربرد واژه یا عبارتی به صورت تکراری و قالبی و بدون تفکر، برای مفاهیم گوناگون است. این تعابیر و واژه‌ها به سرعت در زبان منتشر می‌شود و جای تعابیر دیگر را می‌گیرد» (نیکویخت، ۱۳۹۵: ۱۱۵)؛ همچون: ارائه کردن، نسبت به، لازم به ذکر است و جزاینها.

- مثال: «سازمان‌های مجری قانون که از این سیستم‌های مدیریت اطلاعات استفاده می‌کنند،

از قضا اهمیت تفاوت اخیر از اختلاف واژگانی بیشتر است. زبان فارسی از ساختار خاص خود بهره می‌برد و اگر ساختارهای نحوی آن در جابه‌جایی ارکان جمله درهم بریزد، معنایی صحیح از آن دریافت نمی‌شود.

بیشترین ابهام‌ها در متن‌های ترجمه‌ای پلیس، نتیجه ندانستن ساختار و نحو زبان فارسی و کوشش برای انتقال ساختارهای زبان بیگانه به آن است.

مثال: «زمینه برخورد پلیس با مردم را می‌توان افزایش داد. فرصت‌هایی برای افسران برای درگیر شدن در اشکال مختلف خشونت پلیس. برای مثال، فردی که توسط یک افسر به عنوان یک احمق رفتار می‌کند. در طول یک برخورد خیابانی احتمال دستگیر شدن بیشتر از افسر است فکر می‌کند که او همکار و غیراستدلالی است!»

در جدول (۱) یافته‌های پژوهش در باب مهم‌ترین خطاهای ترجمه آمده است.

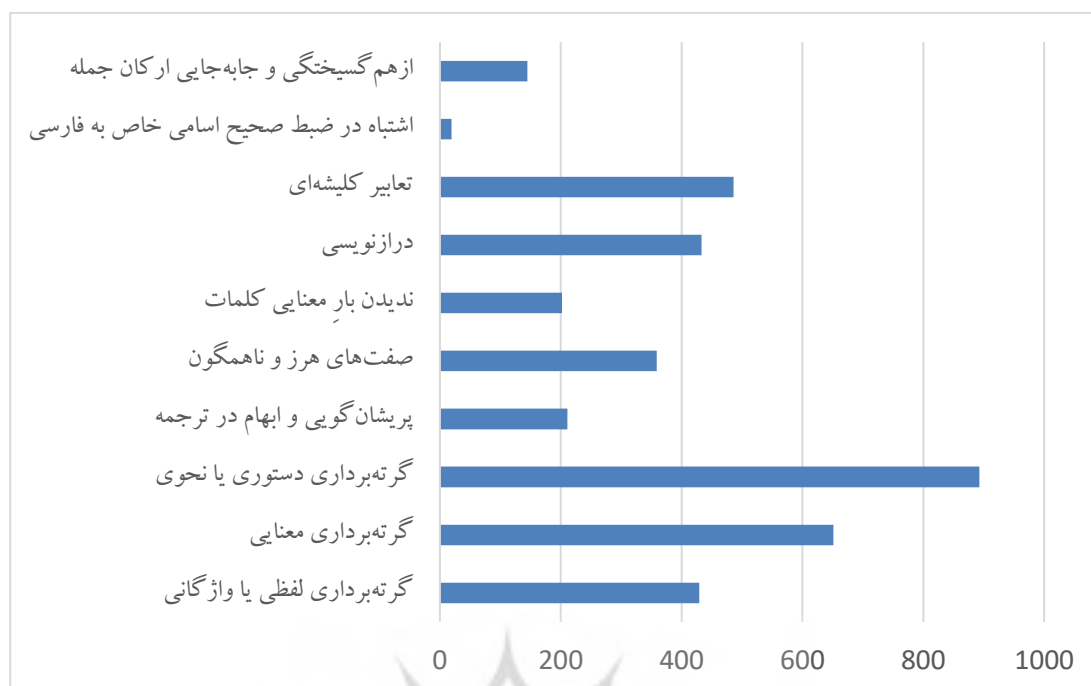
جدول ۱- خطاهای ترجمه در آثار پلیسی ترجمه‌شده به فارسی در سال ۱۴۰۲ (n=390 pages)

شاخص	فراوانی کل	فراوانی در یک صفحه	درصد از کل	رتبه
۱. گرت‌برداری لفظی یا واژگانی	۴۲۹	۱/۱۰	۱۱/۲۱	۵
۲. گرت‌برداری معنایی	۶۵۱	۱/۶۷	۱۷	۲
۳. گرت‌برداری دستوری یا نحوی	۸۹۳	۲/۲۹	۲۳/۳۳	۱
۴. پریشان‌گویی و ابهام در ترجمه	۲۱۱	۰/۵۴	۶/۵۴	۷
۵. صفت‌های هرز و ناهمگون	۳۵۹	۰/۹۲	۹/۳۸	۶
۶. ندیدن بار معنایی کلمات	۲۰۲	۰/۵۲	۵/۲۷	۸
۷. درازنویسی	۴۳۳	۱/۱۱	۱۱/۳۱	۴
۸. تعبیر کلیشه‌ای	۴۸۶	۱/۲۵	۱۲/۷۰	۳
۹. اشتباه در ضبط صحیح اسامی خاص به فارسی	۱۹	۰/۰۵۰	۰/۵	۱۰
۱۰. ازهم‌گسیختگی و جابه‌جایی ارکان جمله	۱۴۵	۰/۳۷	۳/۷۹	۹
مجموع کل خطاهای ترجمه	۳۸۲۸	۹/۸	۱۰۰	

در نمودار (۱) نمایی از مهم‌ترین خطاهای متداول در

ترجمه کتاب‌های بررسی‌شده آمده است:

در تحلیل کیفی، از تحلیل متن به صورت بررسی کلمه و جمله، و در روش کمی از آماره‌های مستخرج به صورت توصیفی بهره گرفته شده است. براساس یافته‌های پژوهش به طور خلاصه مهم‌ترین خطاهای متداول در آثار ترجمه‌ای به ترتیب عبارت‌اند از: گرت‌برداری دستوری یا نحوی (۲۳/۳۳ درصد)؛ گرت‌برداری معنایی (۱۷ درصد)؛ تعبیر کلیشه‌ای (۱۲/۷ درصد)؛ درازنویسی (۱۱/۳۱ درصد)؛ گرت‌برداری لفظی یا واژگانی (۱۱/۲۱ درصد)؛ صفت‌های هرز و ناهمگون (۹/۳۸)؛ پریشان‌گویی و ابهام در ترجمه (۶/۵۴ درصد)؛ ندیدن بار معنایی کلمات (۵/۲۷ درصد)؛ ازهم‌گسیختگی و جابه‌جایی ارکان جمله (۳/۷۹)؛ اشتباه در ضبط صحیح اسامی خاص به فارسی (۰/۵ درصد). همچنین بر پایه یافته‌های پژوهش در مجموع به ازای هر صفحه از کتاب‌های ترجمه‌شده ۹/۸ مورد خطای ترجمه وجود دارد.



نمودار ۱- خطاهای ترجمه در آثار پلیسی ترجمه‌شده به فارسی در سال ۱۴۰۲

بحث و نتیجه‌گیری

ناصواب ارکان جمله، ازهم‌گسیختگی، درازنویسی و استعمال صفات هرز و ناهمگون.

بنابر نظر نویسندگان این مقاله، آشنانیدن با اصول ترجمه صحیح، ناآگاهی از هنجارها و الگوهای معیار زبان فارسی، فقدان مهارت لازم برای برگردان متون پلیسی به فارسی، نداشتن مطالعات با هدف و رویکرد آشنایی با ساخت‌های گوناگون و ظرفیت‌های متنوع زبان فارسی، پرهیز از آوردن برابره‌های نیکو و مناسب فارسی و نشناختن معادل‌های پیشنهادی فرهنگستان، اجتناب از کوتاه‌نویسی و آفت انجام‌دادن اجباری ترجمه‌های پژوهشی برای تکمیل برنامه‌های عملیاتی گروه‌های علمی دانشگاه، از مهم‌ترین عوامل خطاهای ترجمه‌ای در حیطه ترجمه متون پلیسی به شمار می‌رود. براساس نتایج پژوهش، پیشنهادها زیر ارائه می‌گردند:

- خارج کردن و رفع الزام ترجمه در برنامه‌های عملیاتی گروه‌ها؛
- نیازسنجی دقیق و عالمانه در معاونت پژوهشی برای کتاب‌های نامزد ترجمه؛

ترجمه از دیرگاهان تاکنون مهم‌ترین روش انتقال فرهنگ و دانش، میان جوامع مختلف است و در ایران از سابقه و کارنامه‌ای پویا و درخشان بهره‌مند است. امروز نیز ترجمه صحیح و کارآمد در عرصه تولید علم و اندیشه تأثیرگذار و ازجمله نیازهای اساسی جوامع درحال پیشرفت است. پلیس نیز در جایگاه نهادی برآمده از خواست مردم و نیازهای اجتماعی، از این مقوله فارغ نیست و برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوآیین، دانش روز و یافته‌های جدید علمی، در حوزه ترجمه متون تخصصی پلیس فعالیت می‌کند. اما، هرگونه سهل‌انگاری و بی‌توجهی به صحت دستوری و موازین نگارشی متن‌های ترجمه‌شده، موجب هدررفتن منابع مادی و معنوی، بی‌اثر شدن زحمات و کوشش‌های همکاران و درنهایت از دست رفتن مرجعیت علمی در علوم انتظامی و پلیسی می‌شود. بنابر تحقیق و بررسی‌های نویسندگان این مقاله، مهم‌ترین ناهنجاری‌های زبانی متون ترجمه‌شده در مجموعه دانشگاه علوم انتظامی عبارت‌اند از: انواع گرفته‌برداری‌ها، تقلید از قوالب و صورت‌بندی‌های تکراری و کلیشه‌های زبانی، جابه‌جایی

- کیفی‌گرایی و پرهیز از کمیت‌خواهی در شورای پژوهش دانشگاه؛

- افزایش اختیارات ناظران علمی ترجمه‌ها و ویراستاران ادبی، نظیر منوط‌ساختن پرداخت همه حق‌الزحمه ترجمه به تأیید نهایی سرویراستار یا ویراستار؛

- قرارداد نام مترجمان اینترنتی (پس از احراز و اثبات و قطعیت) در فهرست کسانی که حق پیشنهاد و ترجمه اثر و بهره‌مندی از منافع پژوهشی و مادی از آن را ندارند؛

- نظارت نهایی در معاونت پژوهش بر کار ناظران علمی کتاب‌های ترجمه‌ای؛

- بررسی عملکرد و ارزیابی کار ویراستاران ادبی؛

- آسیب‌شناسی اشتباهات رایج و خطاهای ترجمه در دانشگاه با بهره‌گیری از استادان مطالعات ترجمه و مترجمان مجرب و کارآزموده بیرون‌سازمانی؛

- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای شناخت موازین و اصول ترجمه فارسی؛

- تأسیس واحدی برای ارزیابی صحت و سلامت نگارشی ترجمه‌های انجام‌شده در دانشگاه؛

- همکاری و هماهنگی میان گروه‌های علمی و گروه زبان و ادبیات.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله بر ذمه خویش می‌بینند که از استادان نهاد ترجمه و ویراستاری ادبی دانشگاه جامع علوم انتظامی و نیز متولیان و مدیر اجرایی و سردبیر این مجله مستطاب و داوران فاضل آن قدردانی نمایند و سپاسگزاری به‌جای آورند.

منابع

۱. بابایی، رضا. (۱۳۹۶). بهتر بنویسیم. چاپ چهارم. قم: نشر ادیان.

<https://www.iranketab.ir/book/55695-let-s-write-better>

۲. بهاری، رضا. (۱۳۹۷). به زبان آدمیزاد. چاپ پنجم. تهران: نشر نی.

<https://www.iranketab.ir/book/25630-be-zaban-e-adamizad>

۳. توکلی، نیره. (۱۳۶۷). «آسان‌گیری در ترجمه و نگارش». نشر دانش. سال نهم، شماره چهل و پنجم.

صص ۵۹ - ۵۶. <https://ensani.ir/fa/article/293225>

۴. خزاعی‌فر، علی. (۱۴۰۲). «بلاغت در ترجمه چیست؟ و عناصر بلاغی کدام است؟». فصلنامه مترجم. سال سی و دوم، شماره هشتادم. صص ۱۳ - ۳.

<https://motarjemjournal.ir/2023/05/5327>

۵. ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۷). راهنمای ویراستاری و درست‌نویسی. تهران: نشر علم.

<https://www.iranketab.ir/book/31079-editing-and-spelling>

۶. قربان‌زاده، فرهاد. (۱۴۰۱). «گرت‌برداری یا گرده‌برداری؟». نامه فرهنگستان. دوره بیست و یکم، شماره هشتاد و یکم. صص ۱۵۹ - ۱۳۸.

https://nf.apll.ir/article_148006.html

۷. نجفی، ابوالحسن. (۱۳۶۱). «آیا زبان فارسی در خطر است؟». نشر دانش. سال سوم، شماره چهاردهم. صص ۱۴ - ۴. <http://ensani.ir/fa/article/292979>.

۸. نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۴). غلط ننویسیم. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

<https://www.iranketab.ir/book/14724-don-t-write-wrong>

۹. نیکوبخت، ناصر. (۱۳۹۳). مبانی درست‌نویسی. چاپ پنجم. تهران: نشر چشمه.

<https://www.iranketab.ir/book/28436-mabani-e-dorost-nevisi-e-zaban-e-farsi>

۱۰. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۷). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ چهاردهم. تهران: نشر هما.

<https://www.gisoom.com/book/1136468>